

رفتار برخی مسئولان به گونه‌ای دیگر بوده و زندگی‌های آنچنانی دارند.»
این استاد دانشگاه در پاسخ به این سوال که آیا جمعیت با کیفیت و جمعیت بی کیفیت در جمعیت‌شناسی معنای خاصی دارد؟ می‌گوید: «اگر در یک کشور طی یک دهه نرخ رشد اقتصادی ۷ برابر نرخ رشد جمعیت باشد، به آن جمعیت، جمعیت کیفی می‌گویند. در حال حاضر اما در ایران ماجرا برعکس شده و در این یک دهه نرخ رشد جمعیت بیش از نرخ رشد اقتصادی بوده است.» او به این موضوع اشاره می‌کند که به دلیل کم بودن رشد اقتصادی، جامعه ما تبدیل به جامعه‌ای مخاطره‌آمیز شده است: «محصول جامعه مخاطره‌آمیز، رشد اقتصادی، رشد جمعیت و افزایش باروری نیست. وقتی مشکلات جامعه ما هر روز از یک حوزه خاص سر بلند می‌کنند و با انواع مشکلات زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی مواجه هستیم، یعنی جامعه ما مخاطره‌آمیز است، باید از سال‌ها پیش فکر مشکلات خرداده در چنین روزهایی را می‌کردند.»
این استاد دانشگاه با تاکید بر اینکه آمار‌های گویند که امروز رشد جمعیتی به نفع ما نیست، ادامه می‌دهد: «وقت آن است که مسئولان از خواب بیدار شوند و با رویکردی مناسب در این خصوص عمل کنند. همچنین ضروریست که توسط رسانه‌ها در حوزه جمعیت، مدیریت پیشگیری صورت گیرد در غیر این صورت حکمرانی جمعیت رخ نمی‌دهد. گام اول در حکمرانی جمعیت کشف ضرورت و اهمیت جوانی جمعیت است اما آیا واقعاً این اتفاق رخ داده است؟ گام دوم صد مسئله جمعیت است. آمارها حکایت از آن دارد که در آینده وضعیت جمعیت کشور خوشایند نیست. در نتیجه در آینده شاهد جمعیت سالمند سالم‌نخواهیم بود زیرا رشد اقتصادی ما ضعیف است. اروپا اگر جمعیت سالمند دارد ابتدا به رشد اقتصادی رسید و بعد صاحب سالمندی شد. گام سوم در حوزه جمعیت سیاست‌گذاری کلان در این خصوص است. در سال ۱۳۹۶ مقام رهبری سیاست‌های خود را در این خصوص اعلام کردند اما نتیجه آن چه بود؟ سازمان بازرسی کشور مسئول رصد و پایش دستگاه‌هایی است که در این حوزه وظایفی را برعهده دارند اما در این مدت این سازمان کدام دستگاه‌ها را بررسی کرد و در صورت لزوم آنها را به دلیل عدم انجام وظیفه در این حوزه توبیخ کرده است؟»
پژوهان گام چهارم در حوزه حکمرانی جمعیت را وضع قوانین مناسب می‌داند: «چند درصد متولیان، قانون‌گذاری جمعیت و خانواده را به مرحله اجرا رساندند. گام پنجم هم گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی پیرامون مسئله جمعیت است؛ اقدامی که باید از طریق ابزارهای نوین مانند فضای مجازی و رسانه انجام شود. رسانه باید به مردم اعلام کند که فرزندآوری خوب است اما به صورت باکیفیت. اگر والدین به فکر آینده فرزند خود نباشند و بدون آگاهی اقدام به فرزندآوری کنند به نظر من در آینده با چالش مواجه خواهند شد و به فرزند حاصل از چنین والدینی نمی‌توان عنوان «فرزند کیفی» اطلاق کرد. فرزندان آینده باید در جامعه‌ای پرآمید متولد شوند. باید نسبت به کارکردهای نیروی جوان نگاهی اثباتی داشته باشیم. در عین حال باید به این سوال پاسخ دهیم که آیا قرار است فرزندآوری کنیم تا او به دلیل شرایط موجود به کشورهای دیگر مهاجرت کند؟»

خطرات فاصله کم میان بارداری



فاطمه آذر تاش، مشاور خانواده و استاد دانشگاه اما بالا بودن میزان فرزندان در خانواده را از منظر نیازهای روانی و مادی خانواده مورد بررسی قرار داده و تاکید می‌کند که با توجه به شرایط نامطلوب جمعیت کشور در سال‌های آینده، حتماً با فرزندآوری موافق است به شرط اینکه طبق اصول و قواعد بوده و به سلامت جسم و روان کودک، مادر و پدر به‌طور کلی آسیب نرساند. این مشاور خانواده با اشاره به اظهارات اخیر محمدیگی، رئیس فراکسیون جمعیت مجلس درباره ضرورت فرزندآوری خانوارهای ایرانی در پنج سال آینده می‌گوید: «اگر تعداد ۳ تا ۵ فرزند منظر این نماینده را میانگین بگیریم به معنای آن است که زنان باید هر ۱۵ ماه یک زایمان کنند. یعنی یک مادر ۶ ماه پس از به دنیا آوردن فرزندش، باید برای بارداری مجدد و تولد فرزند بعدی اقدام کند. این در حالیست که بعضی زنان تا زمانی که به فرزند خود شیر می‌دهند، قدرت بارداری ندارند. زیرا بدن مادر باید مجدد اقدام به ذخیره‌سازی برای تغذیه جنین بعدی کند.»

او این را هم می‌گوید که به لحاظ روان شناختی، بهتر است اختلاف بین کودکان ۱۵ ماه نباشد، چرا که فرزند اول هنوز توقعات بچگانه‌ای برای استراحت، تغذیه، جلب توجه والدین و... دارد و باید نیازهای اولیه‌اش برآورده شود: «اما با ورود ناگهانی یک نوزاد دیگر، فرزند اول سردرگم و دل‌تنگ مادر می‌شود که چرا او را کنار گذاشته و در کنار فرزند دوم است. این مشاور خانواده تاکید می‌کند که مادر در زمان بارداری با مسائلی مثل اختلالات خواب، حالت تهوع، و یار و ماندن آن دست‌وپنجه نرم می‌کند که این مسائل باعث دور شدن او از فرزند می‌شود.» این مشاور خانواده عنوان می‌کند که فرزند اول ابتدا باید به حدی از استقلال و خودکفایی برسد و وابستگی اش به والدین کم شود، مثلاً راه بیفتد، زبان باز کند و نیازش به رسیدگی‌های شبانه‌روزی از بین برود تا مادر بتواند بار دیگر بچه‌دار شود.»

مسئله مهمی که آذر تاش بر آن تاکید می‌کند تأمین اقتصادی والدین است: «قاعدتاً توصیه برای داشتن فرزندان زیاد برای خانواده‌های با وضعیت اقتصادی خوب است نه اقشاری که زیر خط فقر زندگی می‌کنند یا نمی‌توانند نیازهای اقتصادی چند بچه را طی ۵ سال برآورده کنند. بچه‌دار شدن هزینه‌هایی مثل خرید شیر و پوشک دارد که اقشار با وضعیت اقتصادی متوسط به پایین از عهده آن بر نمی‌آیند. توصیه‌ها باید به گونه‌ای باشد که قشر متوسط جامعه بتوانند به آن عمل کنند. زیرا در جامعه ما امنیت اقتصادی برای قشر متوسط وجود ندارد و دولت باید آنها را مورد حمایت قرار دهد.» او بهترین فاصله سنی میان فرزندان را ۱۸ ماه تا ۳ سالگی عنوان می‌کند به این دلیل که کودک در این زمان می‌تواند صحبت کند، نیازهایش را بگوید و دلبستگی ایمن هم در او شکل می‌گیرد؛ که باعث می‌شود به مراقبت کمتری نیاز داشته باشد: «در جامعه امروزی متوسط سن ازدواج دختران به بالای ۲۲ سال رسیده و امکان تولد ۱۰ تا ۱۲ فرزند برای خانواده‌ها وجود ندارد مگر آنکه مانند گذشته‌ها کودک‌همسری رخ دهد که شایسته نیست اما اگر دهک‌های اقتصادی بالایی جامعه توانایی فرزندآوری به تعداد زیاد را دارند خوب است.»

او تأمین اتاق خواب برای کودکان را مسئله‌ای مهم در تربیت جنسی آنها می‌داند: «خانواده باید بتواند برای هر فرزندش اتاقی جداگانه داشته باشد. والدین هم باید اتاقی مخصوص داشته باشند. آیا درست است که والدین و ۱۰ فرزندشان در یک اتاق باشند. جنسیت بچه‌ها باید در به اشتراک گذاشتن اتاق‌ها مورد توجه قرار گیرند زیرا فرزند دختر و پسر نمی‌توانند در یک اتاق استراحت کنند؛ این موضوع از نظر روانشناختی اشتباه است. حالت دیگر این است که دو اتاق بین دخترها و پسرها تقسیم شود. با هم اختلاف سنی از لحاظ تربیت جنسی کودک مناسب نیست.» آذر تاش معتقد است که باید ازدواج جوانان را تسهیل کنیم و خانواده‌ها امکانات مناسب بدهیم نه اینکه مادر و نوزاد به خاطر این مدل زایمان با آسیب روبه‌رو شوند. این آسیب‌ها از یک سو به اقتصاد ضربه می‌زند و از سوی دیگر آسیب‌های روانی دارد.

به گفته این مشاور خانواده مادری که فاصله میان دو بارداری اش کم است، احتمال سقط‌بیشتری دارد. وقتی هم سقط صورت می‌گیرد، آسیب‌های روانی برای مادر و پدر ایجاد می‌شود بنابراین ضروریست بسترهای افزایش جمعیت و فرزندآوری فراهم و آموزش‌هایی در این زمینه داده شود؛ به عنوان مثال مسئولان باید توجه کنند که برخی مادران دچار افسردگی پس از زایمان می‌شوند که چنین مادری کیس مناسب برای بارداری مجدد نیست و باید تحت مراقبت ویژه باشد، زیرا او نمی‌تواند به‌خوبی از فرزند خود مراقبت کند.» او تاکید می‌کند که با چنین تصمیماتی، به بچه‌های که در حال حاضر وجود دارد آسیب می‌زنیم تا بچه دیگری به دنیا بیاییم.

شناسایی مقصران احتمالی حادثه

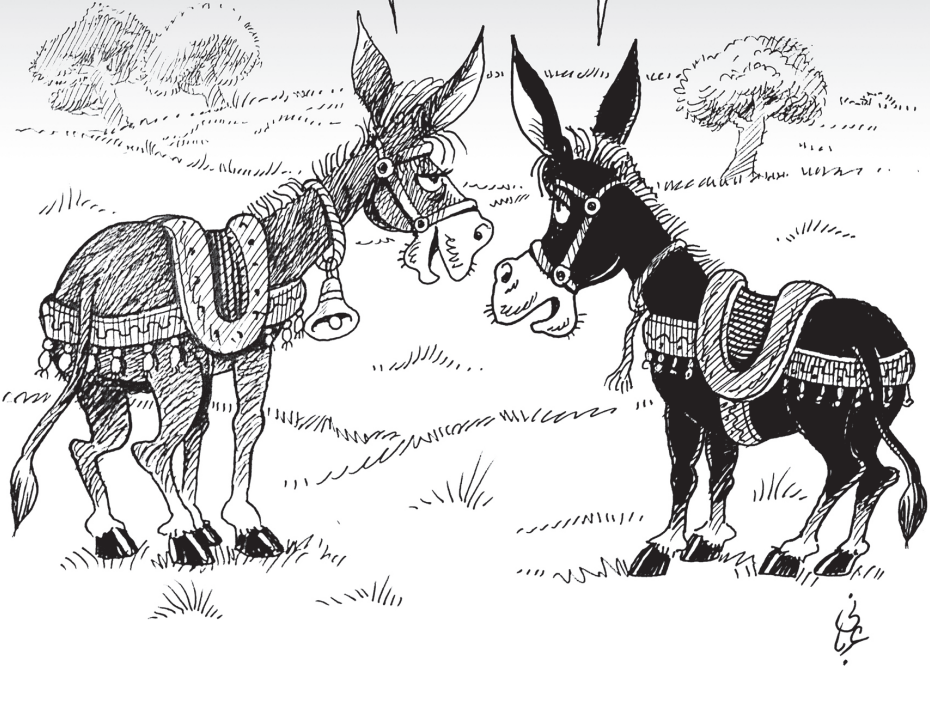
باتوجه به صدور پیشگیرانه هشدار هواشناسی و بی‌توجهی یا کم‌توجهی نسبت به این هشدارها از سوی متولیان امر قطعا این موضوع باید توسط مراجع قضایی پیگیری شود؛ مسئله‌ای که محمدحسین درودی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان رضوی درباره آن می‌گوید: «شناسایی مقصران احتمالی حادثه مزبور براساس کار کارشناسی و بازپرسی میدانی و فیلم‌هایی که از حادثه وجود دارد و مستندات موجود در دستگاه‌های متولی برای اقدامات پیشگیرانه و اصلاح‌گرایانه، در دستور کار قرار دارد.» در این بین ظفری، سخنگوی سازمان مدیریت بحران کشور هم از برکناری مدیر بحران شهرداری مشهد خبر داد.



به علت نبودن کاه و جو، خرها از گرسنگی تلف می‌شوند!

برو خدا رو شکر کن
اگه آدم بودی
حالا همین لباس هم
تنت نبود!!

صد دفعه بهت گفتم
بیا خر نشیم
گشگی مون می‌دن‌ها...



عربی

همه مقصران سیل مشهد معرفی و مجازات شوند

هیچ وقت در پی سیل‌هایی که جان مردم را می‌گیرد و اموال‌شان را نابود می‌کند هیچ‌کسی مؤاخذه نشده است؟ این سیل قطعاً مقصران بسیار زیادی دارد که باید تمام‌شان به خط شوند و پاسخگوی تصمیم‌ها و نحوه مدیریت‌شان باشند. تا این لحظه دوازده نفر جان‌شان را از دست داده‌اند، با جان‌های رفته چه می‌کنند؟ یا خانه‌های ویران شده چه؟

سیل مشهد براساس نظر کارشناسان، به سه عامل بر می‌گردد: بی‌توجهی به منطقه که در قالب ویلاسازی و کوه‌خواری صورت گرفته و در نتیجه آبرها را مسدود کرده و پوشش گیاهی را از بین برده است. همچنین مجموعه کارهایی که باعث شده اتصال مسیر سیلاب از بالادست منطقه به رودخانه در پایین دست منطقه از بین برود.

سومین مسئله نیز سازگار نبودن مسیرهای شهری با محیط‌های طبیعی است. همان آسفالت‌کردن بسیاری از مناطق شهری که باعث شده آب نتواند به عمق زمین هدایت شود و در نتیجه روی سطح زمین جاری شده است. مشهد در سال‌های گذشته باتوسعه نامتوازن شهری بدون توجه به زیرساخت‌ها همراه بود. این یعنی وقتی که سیل می‌آید، شهر آماده مقابله با آن نیست. سیل اخیر وارد بزرگراه شد و خودروها را با خودش برد، معنی ورود سیل به بزرگراه‌ها این است که ما در جایی که باید مسیر عبور آب باشد، جاده و اتوبان ساخته‌ایم. همین مدل ساخت‌وساز، یعنی اینکه شهر بدون مدیریت مناسب و نظارت مطلوب به حال خود رها شده و هر مدیری که در این سال‌ها آمده و رفته، براساس سلیقه خودش تصمیم گرفته است. یعنی هیچ توجهی به مخاطرات آینده شهر نداشته است.

اکنون چه کسانی باید پاسخگوی دستکاری در طبیعت در سال‌های طولانی باشند؟ یک عامل مشترک در همه استان‌های سیل‌خیز کشورمان، بی‌توجهی به محیط زیست است. چرا سیل باید پشت سر هم در بسیاری از شهرها تکرار شود و پیامدهایش هر بار شدیدتر و خسارت‌هایش بالاتر باشد؟ قطعاً شنیده‌اید که ایران چند سالی است که به کشور سیل‌خیز تبدیل شده است. دستکاری در طبیعت بدون رعایت ملاحظات زیست‌محیطی یکی از دلایل مهم آن است. وقتی در ساخت‌وسازهای آبی و تاسیسات زیربنایی و نیز در فعالیت‌هایمان در جنگل‌ها و مراتع به معیارهای توسعه‌یابری بی‌توجهی نشان می‌دهیم باید منتظر عواقب آن هم باشیم. نتیجه اینکه سیلاب‌ها در ایران جولان می‌دهند و خسارت می‌گیرند. سیل مشهد با دوازده کشته و تعداد بسیاری مجروح و ویرانی گسترده، در فهرست مرگ‌بارترین و ویران‌کننده‌ترین سیل‌های کشور ثبت شده است. این چندمین سیل در کمتر از یک سال است که کشور را دربر گرفته و مسئولان را غافلگیر کرده است. چه زمانی باید عبرت بگیریم؟ همچنان دست روی دست می‌گذاریم تا سیل بعدی و کشته‌ها و ویرانی‌های بعدی؟ این سیل مقصران فراوانی دارد که باید پاسخگوی اعمال‌شان باشند.

افشین امیرشاهی

سردبیر آنلاین هم‌میهن



باران شدت گرفت و یک ساعت نشده، سیل شهر مشهد را برداشت. اما چرا و به چه علت در مدت کوتاه، سیلی بزرگ و ویرانگر در شهر راه افتاد و این همه خسارت به بار آورد؟ سیل اخیر در مشهد قطعاً مقصران فراوانی دارد که باید همه آنها نسبت به مسئولیتی که داشته‌اند پاسخگو باشند. این سیل اشکالات زیاد مدیریتی کشور را دوباره نشان داد. یک بار دیگر مشخص شد که مدیریت شهری در کلانشهرها تا چه حد متکی به توسعه بی‌توازن و بی‌توجه به محیط زیست است.

می‌توان گفت اولین دلیل جان سپردن ۱۲ شهروند کشورمان، ویران شدن خانه و کاشانه مردم و خسارت دیدن به مال و اموال‌شان در سیل مشهد، بی‌مسئولیتی تمام کسانی است که از گذشته تا امروز صاحب پست و مقام بودند. از این سیل می‌توان به‌عنوان یکی دیگر از نمانده‌های بی‌مسئولیتی در کشور یاد کرد. همچنان که سیل شیراز همین‌طور بود، و سیل‌های سیستان و بلوچستان، و سیل امامزاده داوود و ده‌ها سیل دیگر؛ همیشه نیز مسئولان ما غافلگیر شده‌اند.

مگر در یک کشور چند بار باید شاهد سیل‌های ویرانگر باشیم تا عبرت بگیریم؟ وظیفه مهم مسئولان کشور حفاظت از جان و مال مردم است. وقتی در یک شهر و استان سیل می‌آید، کل مجموعه کشور به‌طور سیستماتیک باید به فکر تهیه زیرساخت‌های لازم برای مقابله با سیل باشند تا چنین حوادثی در کشور رخ ندهد. متأسفانه می‌بینیم که علت اصلی ویرانگری‌های بالای سیل مشهد، نه فقط بارندگی شدید که بی‌مسئولیتی، بی‌کفایتی، بی‌توجهی به قانون، ساخت‌وساز در بستر خشک مسیل‌ها و رودخانه‌ها، ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه و بی‌رویه، کوه‌خواری و تعرض به محیط زیست بود. در برخی نقاط شهر مشهد درست در جایی ساخت‌وساز کردند که آب باید جریان پیدا می‌کرد.

اینجا این پرسش مطرح می‌شود که مجوز ساخت و سازهای غیراصولی و بی‌ضابطه مشهد چگونه و از طرف چه کسانی صادر شده است؟ این ساخت و سازها اگر چه غیراصولی است اما با مجوزهای قانونی صورت گرفته است.

چه نهادهایی درباره وضعیت پیش آمده باید پاسخگو باشند؟ استانداری، شهرداری، بازرسی، فرمانداری، تولیت آستان قدس، نیروی انتظامی، وزارت کشور، مجلس، دستگاه قضایی و... کدام شخص و نهاد؟ بالاخره نظارت با کیست؟ و مسئولان چه وقت باید پاسخ دهند و مکافات بی‌کفایتی در مدیریت‌شان را ببینند؟ چرا اتفاق سیل شیراز دوباره در مشهد رخ داد؟ چرا سیل‌های ویرانگر همواره مسئولان ما را غافلگیر می‌کند؟ چرا